



واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به درخت نخل، گیاهان و درختان مخصوص شهر فین

بهجت نجیبی فینی (دکتری زبان‌شناسی همگانی، مدرس دانشگاه پیام نور بندرعباس)

مقدمه

شهر فین نخلستان زیبایی است که در ۹۵ کیلومتری شمال غربی شهرستان بندرعباس، در استان هرمزگان، یعنی در جنوبی‌ترین نقطه سرزمین پهناور ایران، واقع شده است. از نظر جغرافیایی، فین در ۲۷ دقیقه و ۳۸ درجه شمالی و ۵۵ دقیقه و ۵۳ درجه شرقی قرار دارد (سایبانی ۱۳۸۲: ۱۴).

به علت محصور بودن بین کوه‌ها و تپه‌ها، این نخلستان سرسبز دارای تابستانی بسیار گرم و زمستانی معتدل است. وزش نوعی باد گرم موسمی که آن را «تَش باد» می‌نامند به گرمای هوا در تابستان می‌افزاید. این باد معمولاً از اوایل خرداد ماه آغاز می‌شود و تا آخر تیر ماه ادامه دارد که اگر این باد شدید باشد آن را «باد آخر» می‌نامند. بارندگی در این ناحیه بیشتر همراه با رعد و برق و گاه توفان شدید است.

در فین خانه‌ها به صورت پراکنده و دور از هم ساخته می‌شود و علت آن این است که اهالی، خانه‌های خود را در نخلستان خود بنا می‌کنند تا بهتر بتوانند از آن محافظت کنند.

شهر فین از شمال به حاجی‌آباد، از مشرق به لارستان، از مغرب به ناحیه فارغان و از جنوب به شهرستان بندرعباس محدود است.

از نظر تقسیم‌بندی تاریخی گویش فین شاخه‌ای از گویش‌های جنوب غربی ایران محسوب می‌شود (رضائی باغبیدی ۱۳۸۰: ۸). این گویش دارای دو ویژگی خاص است که در حوزه تحقیقات تطبیقی زبان‌شناسی حرفی برای گفتن دارد و این دو ویژگی عبارت‌اند از: ارگتیو بودن و گستردگی واژگانی. در مورد گستردگی واژگانی در این گویش باید گفت این گستردگی به حدی است که حتی در زمینه پدیده‌های جوئی و بیماری‌ها و بسیاری موارد دیگر واژه‌ای معادل فارسی معیار دارد.

گویش فین نیز، مانند گویش مردم سایر مناطق ایران، دارای واژه‌ها و اصطلاحات خاصی است که فقط در آن منطقه از سرزمین پهناور ایران به کار می‌رود و، با توجه به این امر که مردم این ناحیه کشاورز هستند و در نخلستان فعالیت می‌کنند، دارای واژه‌های مخصوص به خود می‌باشند که این واژه‌ها مربوط به درخت نخل و محصولات خرما است. همچنین، با توجه به شرایط آب و هوایی این ناحیه دارای درختان خاص و گیاهان دارویی مختلف نیز هست که در این پژوهش به ذکر اسامی آنها نیز پرداخته خواهد شد (نیز نک: نجیبی فینی ۱۳۸۱: ۱۱).

در این نوشتار انواع درخت نخل، صنایع دستی حاصل از این درخت، ساختمان و اجزای درخت نخل، انواع خوراکی‌ها و شیرینی‌هایی که از خرما تهیه می‌شود و اسامی درختان و گیاهان دارویی مخصوص این ناحیه، به ترتیب الفبایی، ذکر می‌شود.

پیشینه و اهمیت تحقیق

زبان هر ملت به منزله هویت و شناسنامه آن ملت محسوب می‌شود، با در نظر گرفتن این مسأله که خانواده زبان‌های ایرانی از مجموعه‌ای از گویش‌ها و لهجه‌های گوناگون تشکیل شده است، حفظ و نگهداری این گویش‌ها که ارزشی برابر گنجینه‌های هخامنشیان و اوستای زردشت و متون پهلوی دارند بسیار ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش و تحقیق در مورد هر زمینه‌ای از گویش‌های ایرانی می‌تواند در حفظ آن گویش مؤثر باشد و آن را از زوال و نابودی برهاند.

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت برای اولین بار این گویش توسط نگارنده این نوشتار بررسی شده است و تحت عنوان بررسی گویش فین با همکاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی چاپ و در دسترس همگان قرار داده شده است.

سابقه تاریخی درخت خرما

درخت خرما، که نام لاتینی آن "Phoenix dactylifera" است، از خانواده نخل‌هاست و سابقه کشت آن در ایران به دوره هخامنشیان می‌رسد و گویا از عراق و نواحی بین‌النهرین وارد ایران شده است. وجود بعضی از این گونه‌ها مانند "mūseley" و "karita" شاید گواهی بر این مطلب باشد که احتمالاً اولی برگرفته از موصل و دومی از تکریت گرفته شده است (سایانی ۱۳۸۲: ۷۷).

درخت خرما دارای دویت جنس و پانصد گونه است. این درخت بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال عمر می‌کند. در آب و هوای مناطق خرماخیز ایران، بیش از یکصد گونه خرما شناخته شده است که در فین بیشتر از ۵۰ گونه آن را می‌توان یافت.

گونه‌های درخت نخل در فین

آزاد /āzād/: از درختان نخل میان‌رس و کمیاب با خارکی زردرنگ.
آلمتری /ālomtari/: از درختان نخل پیش‌رس که خارکی زردرنگ دارد.
الیوری /aliyorey/: از درختان میان‌رس و نادر با خارک زردرنگ.
انگشاروسی /angošārūsey/: از درختان میان‌رس و کمیاب نخل با خارکی کشیده و درشت و حنایی‌رنگ. وجه تسمیه آن با انگشت عروس در رنگ حنایی آن است.
بسکتهتی /baskahtey/: از درختان پیش‌رس نخل با رطب مرغوب و خارک قرمز تیره.
پاسلاری /pāselārey/: از درختان دیررس با خارک زردرنگ و درشت.
پروزخس /poruzxaš/: از درختان دیررس با خارک زرد. پروز، بر وزن فروز، به معنای خارک نارس است و چون خارک این نخل نیز شیرین و مطبوع است آن را پروزخس می‌گویند.
پشبینی /pošbaney/: از درختان پیش‌رس با رطب مرغوب و خارک سرخ و تیره‌رنگ.

جوزکی / **jūzakey**: از درختان میان‌رس و نادر با خارک زردرنگ که از آن برای تهیه کنگ جوش استفاده می‌شود.

خارو / **xārū**: بر وزن جارو، از درختان میان‌رس، با خارک قرمز، ترد و شیرین.

خاستی / **xāstey**: از درختان میان‌رس با خارک قرمزرنج و گاهی زردرنگ با رطبی مرغوب و شیرین.

خاستیچی / **xāstičey**: از درختان میان‌رس با خارکی زردرنگ شبیه به مضافتی. این درخت نخل کمیاب است.

خالوزهرئی / **xālūzohraey**: از درختان میان‌رس با خارکی مرغوب.

خرست / **xorost**: از درختان میان‌رس با میوه نامرغوب. در اصل خُرسِت به معنای خودرو است و به درخت نخلی که از راه هسته و تصادفی روییده شود، اطلاق می‌شود.

خسب / **xasab**: از درختان نخل دیررس با خارک قرمز و نادر.

خشخور / **xašxwar**: از درختان نخل میان‌رس با میوه زردرنگ و مرغوب.

خنیزی / **xanizi**: از درختان نخل میان‌رس با خارک قرمز و خرماي مرغوب.

زرد / **zard**: از درختان میان‌رس و نادر با خارک زردرنگ.

سلونی / **saluney**: از درختان نخل زودرس.

شاختائی / **šaxataey**: از انواع درخت نخل میان‌رس با میوه زردرنگ و مرغوب.

شانی / **šaney**: از درختان میان‌رس نخل با خارکی زردرنگ و خرماي مرغوب.

شکری / **šakari**: نام نوعی درخت نخل.

شهرویی / **šahrūey**: از درختان میان‌رس نخل.

کفسکی / **kafaskey**: از درختان میان‌رس و نادر.

کلکسرخ / **kalaksorx**: از درختان میان‌رس و نسبتاً مرغوب و پربار.

کلیمی / **kalamey**: گونه‌ای از درختان میان‌رس و نادر با خارک زردرنگ.

کورینی / **kurboney**: از درختان میان‌رس نخل با خارکی نامرغوب.

کونگرد / **kungerd**: گونه‌ای از درختان پربار و میان‌رس با خارک زرد و خرماي قهوه‌ای‌رنگ.

گنتال / **gantāl**: از انواع کمیاب درخت نخل.

گندگربی /**gondgorbay**/: گونه‌ای نامرغوب از درخت خرما که میان‌رس و نادر است.
لشتی /**laštey**/: از درختان میان‌رس نخل با خارک قرمزرنگ و خرمای نسبتاً مرغوب.
مرزبن /**marzabon**/: از انواع مرغوب درخت نخل با خرمایی زردرنگ.
ملیسن /**malison**/: گونه‌ای از درختان دیررس نخل با خارک قرمزرنگ و ترد و کم‌شیره.
منگناس /**mangenās**/: از درختان میان‌رس با خارک و رطب مطبوع، ترد و شیرین.
مرداسنگ /**mordāseng**/: از انواع درخت نخل.
موسایی /**mūsāey**/: از انواع درخت نخل از خانواده مضافتی بم.
موسلی /**mūseley**/: از درختان میان‌رس، پربار با خارک قرمزرنگ.
نارنگینی /**nārangoney**/: از درختان پربار و میان‌رس با خارک قرمزرنگ و خرمای نسبتاً مرغوب.
نبوتی /**nabowtey**/: از درختان میان‌رس و بسیار مرغوب.
نغار /**naḡar**/: از درختان زودرس نخل با خارک و رطبی مرغوب.
هش‌دنگیگری /**hašdangyagazi**/: از درختان میان‌رس و نادر نخل با خارک زردرنگ و درشت‌تر از حد معمول.
هلالی /**halāli**/: از درختان میان‌رس و نادر نخل با خارک زردرنگ.

اجزای درخت نخل

پیش /**piš**/: برگ نخل که به‌صورت ناودانی باریک روی شاخه و دو طرف آن به‌طور منظم می‌روید و حاوی مواد سبزینه است.
تغ /**tay**/: شاخه درخت خرما.
تغله /**tayala**/: شاخه بلند درخت نخل.
تغت /**tayot**/: بخش کلفت شاخه درخت خرما که به‌کنده وصل است.
تفتوک /**taftuk**/: قسمت انتهایی لت را گویند که به ساقه می‌ماند و از آن مانند نردبان برای بالا رفتن از درخت نخل استفاده می‌شود.
ریشه /**riša**/: مهم‌ترین جزء درخت نخل که اساس و موجودیت آن را تشکیل می‌دهد؛ ولی نکته قابل توجه اینکه درخت نخل از ریشه خشک نمی‌شود.

سیخ **/six/**: بخشی از پیش است که بین لت و مهر می‌روید؛ با این تفاوت که مانند برگ از هم باز نمی‌شود و چون سوزنی بزرگ با انتهای کلفت و نوک‌تیز و باریک است.

سیس **/sis/**: الیاف به‌هم‌پیوسته درخت خرما را گویند که ابتدا رنگ آن قهوه‌ای روشن است و با گذشت زمان تیره می‌شود و مانند زره‌ای محکم از شاخه‌های نخل محافظت می‌کند.

کجکی **/kejakey/**: زایده‌ای است شبیه به فسیل که در اطراف ریشه و کنده به‌وجود می‌آید و دارای شاخ و برگ است.

کنته **/konta/**: ساقه درخت نخل را می‌گویند که از رشد و نمو شاخ و برگ به‌وجود می‌آید و به‌منزله ستون فقرات درخت نخل است.

لت **/lot/**: بخشی از شاخه را می‌گویند که به ساقه نخل وصل است و کلفت‌تر از بخش آزاد آن (شاخه) است. طول لت ممکن است به یک تا دو متر برسد.

مهر **/mahr/**: شاخه بدون لت و پیش را می‌گویند.

مراحل رشد میوه درخت نخل

استک **/estak/**: هسته خرما.

ارما **/ormā/**: میوه درخت نخل که کاملاً رسیده باشد.

پنگ **/pang/**: مجموعه خوشه خرما را می‌گویند.

پیزگ **/pizg/**: کلاهک خرما.

تنگوروک **/tanguruk/**: دانه‌های ریز خرما که در نخستین روزهای باروری روی تارهای خوشه ظاهر می‌شوند.

تلنگ **/teleng/**: رشته‌های باریکی که تنگوروک، به‌طور منظم، روی آن‌ها قرار دارد. تعداد دانه‌های تنگوروک روی هر تلنگ برحسب نوع نخل متفاوت است.

دیمپازگ **/dimpāzg/**: خارکی که نیمه‌ای از آن به خرما تبدیل شده باشد.

خامش **/xāmoš/**: خارکی که، به‌طور مصنوعی، به خرما تبدیل شود.

خمل **/xamal/**: میوه نارس خرما که در همه انواع سبزرنگ است.

سلنگ /saleng/: دانه‌های خشک و کم‌شیره یا بی‌شیره خرما که مصرف انسانی ندارد و صرف تغذیه دام می‌شود.

کنگ /kong/: خارک. در این مرحله خمل تغییر رنگ می‌دهد و طعم آن شیرین می‌شود.
کور /kur/: پنیر نخل، بخشی از خوشه خرماست که طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر است. سفیدرنگ، شیرین و قابل خوردن است. قسمتی از آن، که از کنار شاخه سر بیرون می‌آورد، شامل غلافی است که خوشه و تارهای آن به‌طور فشرده و منظم و به‌هم‌چسبیده در آن جای دارند و همین که خوشه به اندازه کافی رشد کرد غلاف را می‌شکافد و از آن خارج می‌شود؛ در این زمان گرده درخت نر را به آن می‌رسانند تا بارور شود.

منگ /meng/: میوه خرما، زمانی که به‌عللی رشد نکرده باشد و کال باقی بماند.
هوار /havār/: اولین مرحله رشد میوه درخت نخل را می‌گویند، یعنی زمانی که درخت ماده نخل را بارور می‌کنند. به این کار که در ماه فروردین انجام می‌شود «مغ اوار» می‌گویند.

فراورده‌های خرما

ارمابریز /ormāberiz/: مواد لازم برای تهیه این شیرینی خرما، آرد و روغن است.
ارماریزه /ormāriza/: خرماهای بعضی از انواع نخل در آخرین مرحله رشد خشک، سفت و ریز می‌شود. این نوع خرما را در ظرف مخصوص نگه می‌دارند و در زمستان به مصرف می‌رسانند.

ارماشیره /ormāšira/: برای تهیه آن، خرما و کنجد و کسور و برگ نارنج را در ظرفی می‌ریزند و شیره خرما را به آن اضافه می‌کنند.

الوا /alvā/: از شیرینی‌هایی که از خرما بدین شیوه تهیه می‌شود: ابتدا مقداری خرما را مرغوب را با آب مخلوط می‌کنند تا خوب ترکیب شود، ترکیب آب و خرما را در پارچه‌ای تمیز صاف می‌کنند. آنگاه شیره به‌دست‌آمده را آن‌قدر می‌جوشانند تا دوسوم آن تبخیر شود. آنگاه آن را با آرد گندم و روغن و هل کوبیده مخلوط کرده، با کفگیر هم می‌زنند تا خوب به‌عمل آید.

چنگال /čengāl/: برای تهیه این شیرینی، گندم برشته را آرد می‌کنند و با مقدار مناسب

خرما مخلوط کرده، آن‌قدر چنگ می‌زنند تا آرد و خرما به‌خوبی با هم ترکیب شوند. گندم برشته را «پاکو» می‌نامند.

رنگینه */rangina/*: رنگینه را با رطب تازه «*xāstey*» و یا «*xanizi*»، آرد گندم، گردو و روغن تهیه می‌کنند. بدین ترتیب، در ابتدا با کمک سیخ هسته خرما را به‌طوری که خرما له نشود بیرون می‌آورند و گردو به‌جای آن می‌گذارند و خرماها را در ظرفی می‌چینند. آنگاه آرد گندم را در روغن حرارت می‌دهند و روی رطب‌ها می‌ریزند به‌طوری که روی آنها را بپوشانند. سپس با دارچین، هل کوبیده و خاک‌قند آن را تزئین می‌کنند.

شیره */šira/*: ظرف‌های محتوی خرما (پری) را در انبار مخصوص روی هم می‌چینند. فشاری که بسته‌های خرما بر یکدیگر وارد می‌سازند از یک سو و گرمای فضا از سوی دیگر موجب تراوش شیره می‌شود. شیره به کانال‌های سطحی کوچکی که در کف انبار تعبیه شده سرازیر و از آنجا در چاله یا ظرفی که کار گذاشته شده است جمع‌آوری می‌شود که از آن برای تهیه سرکه و انواع شیرینی‌ها استفاده می‌شود.

کلمبا */kolombā/*: نوعی حلواست که با خرما تهیه می‌شود و در پخت آن از روغن استفاده نمی‌شود.

کنگشزده */kongešonazada/*: سر و دم «کنگ» مرغوب را با چاقو می‌برند، سپس آن را شانه می‌زنند و در حلب یا کوزه‌ای سفالین می‌ریزند و مقداری شیره و کسور به آن اضافه می‌کنند و در زمستان به مصرف می‌رسانند.

آفت‌های درخت نخل

پغرز */poγrz/*: نوعی آفت برای خرمايي که در انبار مانده باشد.

تال */tāl/*: حشره‌ای سیاه رنگ با بدنی غضروفی که در میان شاخه‌های تازه نخل نشوونما می‌کند. جوانه‌های نخل را می‌خورد و موجب نابودی درخت می‌شود.

خروک */xaruk/*: حشره‌ای ریز که باعث فساد خرما می‌شود.

شپرو */širu/*: آفتی است که مانند شیره روی برگ درخت خرما ظاهر می‌شود و مانع تغذیه درخت می‌شود و راه هوا و تبادل اکسیژن و کربن را می‌بندد.

کفر */kafer/*: لایه‌ای خاکستری‌رنگ و خاک‌آلود است که میوه نخل را تهدید می‌کند.

ملخ دریائی /malaxedaryāey/: از آفت‌های بزرگ درخت نخل است که معمولاً در دسته‌های بزرگ از راه اقیانوس هند و دریای عمان وارد خاک ایران می‌شوند.
نال /nāl/: حشره‌ای است شبیه زنبور، سیاه‌رنگ، با اندامی درشت‌تر، که لابه‌لای برگ‌های نخل لانه می‌کند و تخم می‌ریزد و از شاخ و برگ‌های این درخت تغذیه می‌کند. اگر به هسته مرکزی و جوانه اصلی نخل آسیب برساند مرگ درخت حتمی است.

نخل و صنایع دستی

بازن /bāzan/: بادبزن به‌شکل مستطیل یا مربع که با برگ درخت نخل و در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود. دارای دسته‌ای است که می‌توان آن را در دست گرفت.
بیدری /biderey/: ظرفی بافته‌شده از برگ درخت نخل با گنجایش تقریبی یک تا دو کیلو خرما.
پروند /parvend/: طنابی است کلفت و محکم، بافته‌شده از برگ نخل که ممکن است طول آن دو تا سه متر باشد و بهترین وسیله برای بالا رفتن از نخل‌های بلندقامت است.
پری /peri/: ظرفی است با گنجایش شش من خرما، که از برگ درخت نخل، به‌صورت گرد، بافته می‌شود.
تک /tak/: نوعی حصیر که از برگ نخل، در اندازه‌های مختلف، بافته می‌شود.
توکو /towku/: ظرفی به اندازه یک کاسه بزرگ که از برگ نخل بافته می‌شود. نام دیگر آن کندوک (kondūk) است.
جامش /jāmoš/: نوعی جارو که از به هم پیوستن شاخه‌های ظریف و کوچک درخت نخل ساخته می‌شود.
دموک /demuk/: بادبزن بدون دسته و دایره‌شکل که قطر آن بین ده تا بیست سانتی‌متر است و از برگ نخل بافته می‌شود.
دوز /dowz/: نوعی بند یا طناب که از برگ تازه نخل بافته می‌شود.
زیرپی /zirpoy/: وسیله‌ای است برای نشستن، به قطر بیست سانتی‌متر و دایره‌شکل، که از برگ نخل بافته می‌شود. چون به مقدار کافی بافته شد به‌صورت گرد آن را پیچیده و می‌دوزند.

ست **/sat/**: نوعی سبد بزرگ بافته‌شده از برگ نخل، برای نگهداری غلات.
سربینی **/sarboney/**: نوعی سبد استوانه‌ای شکل، دارای سر، که از برگ نخل بافته می‌شود.
سواس **/sovās/**: نوعی پای‌افزار که با رشته‌های تازه و مرغوب «سیس» بافته می‌شود.
سوند **/sevend/**: وسیله‌ای برای پوشش سقف خانه‌های روستایی که از به‌هم بافتن شاخه‌های بلند نخل درست می‌شود.
سیلک **/seylak/**: از خانواده «سَرَبَنی» ولی بلندتر که سر آن به وسیله دو رشته مویی به تنه وصل می‌شود.
شلوت **/šlut/**: نوعی حصیر گرد، به قطر متوسط یک متر، که از برگ نخل بافته می‌شود.

کچیل **/kačil/**: ظرفی بزرگ‌تر از «کفاتر» بافته‌شده از برگ نخل برای نگهداری خرما.
کفات **/kafāt/**: ظرفی بسیار بزرگ برای نگهداری غلات و خرما، بافته‌شده از برگ نخل.
کفاتر **/kafāter/**: ظرفی با گنجایش ۵-۶ کیلو خرما بافته‌شده از برگ نخل.
کفسک **/kafask/**: قفس بافته‌شده از برگ نخل، برای نگهداری ماکیان و پرندگان.
مشکو **/mašku/**: ظرفی برای جمع‌آوری خرما، مخصوص کودکان که از برگ نخل بافته می‌شود.

گیاهان دارویی و درختان خاص منطقه

آزموده **/āzemude/**: گیاهی است با دانه‌هایی شبیه رازیانه، که برای رفع نفخ و ترش کردن معده از آن استفاده می‌شود.
ارچن **/arčēn/**: نوعی درخت که در کوهستان‌ها می‌روید و چوب‌دستی آن معروف است.
انبو **/anbow/**: این درخت از خانواده سپستان است با برگی پهن و میوه‌ای بزرگ که هم‌زمان با درخت خرما بارور می‌شود. میوه این درخت گاهی به بزرگی یک گردوی درشت به رنگ زرد است. هسته‌ای شبیه به هسته آلوچه دارد که اطراف آن را ماده‌ای لزج و چسبنده احاطه کرده است.
اسپوش **/espuš/**: بوته‌ای بسیار کوچک با دانه‌های ریز شبیه ارزن که برای رفع عطش و گرم‌زدگی به صورت شربت شیرین می‌نوشند.

بروج /**barvej**/: گیاهی است با دانه‌های ریز که برای مداوای سرماخوردگی و تنگی نفس استفاده می‌شود. به‌علت خاصیت چسبندگی دانه‌های «بروج» آن را روی پارچه خیس می‌ریزند و برای بستن زخم استفاده می‌کنند.

بشکه مولر /**boške mular**/: نوعی سبزی وحشی.

بشندر /**bošender**/: نوعی سبزی وحشی.

بکرای /**bakrai**/: نوعی از مرکبات، تلخک.

بهمن /**bahman**/: نوعی علف که در فصل بهار می‌روید.

بهنگ /**bohng**/: نوعی علف کوهی که در سال‌های پرباران در کوهستان می‌روید.

پتروک /**potoruk**/: بوته‌ای صحرایی.

پرز /**porz**/: نوعی گیاه که قابلیت سوختن برگ آن زیاد است و در طب سنتی قدیم، زمانی که می‌خواستند بدن انسان یا حیوان را داغ کنند، مقداری از آن را در محل زخم می‌گذاشتند و می‌سوزاندند.

پرغ /**paray**/: بوته‌ای با برگ‌های مفتولی‌شکل بزرگ که در دامنه‌ها و دره‌ها فراوان دیده می‌شود. بوته را از ریشه جدا می‌کنند و به‌عنوان هیزم مورد استفاده قرار می‌دهند.

پشموک /**pašmük**/: نوعی سبزی که برگ آن شبیه پشم است.

پنیربن /**panirban**/: نوعی قارچ که در سال‌های پرباران در اطراف شاخه نخل می‌روید.

پیموک /**pimowk**/: نوعی سبزی وحشی شبیه پیازچه.

تج /**tej**/: بوته‌ای وحشی و صحرایی با تیغ‌های بلند و محکم که از چوب آن زغال مرغوب به‌دست می‌آید.

ترسگ /**teresag**/: نوعی تره وحشی با گل‌های قرمز و ارغوانی که در فصل بهار و تابستان می‌روید.

ترشک /**torošak**/: نوعی سبزی ترش‌مزه.

تمر /**tamr**/: اصل این درخت از هندوستان است و میوه آن در حالت کال، سبزرنگ و ترش‌مزه است.

جر /**jar**/: بوته‌ای صحرایی که غذای مطلوب شتر است.

جرنگ /**jereng**/: بوته‌ای صحرایی.

جم /jam/: درختی که میوه‌ای آلبالویی‌رنگ دارد و در شرایط مناسب، به اندازه درخت چنار، تنومند می‌شود.

چسبوک /časbük/: بوته صحرایی کوچکی که برگ آن دارای پرز است و در مقابل گرما مقاوم است.

حسک /hesk/: گل زعفران. بوته‌ای با تیغ‌های فراوان که در زمین‌های مزروعی و حاشیه رودها می‌روید و دارای گلی زردرنگ شبیه زعفران است.

حکیمو /hakimū/: گیاهی وحشی که خاصیت دارویی دارد و برای درمان سردرد به‌کار می‌رود.

خرگ /xarg/: بوته‌ای با برگ‌های پهن که میوه آن مانند کوزه‌ای بیضی‌شکل و پر از ایلیف ابریشمین است و شیرهای سفیدرنگ دارد.

خرگ‌زگ /xargazag/: در حاشیه دره‌ها و کوه‌ها به‌وفور می‌روید و برگ آن پهن است.

دریم /deraym/: نوعی بوته گیاهی که دارویی برای درمان ورم و درد مفاصل است.

دنگ هول /dange howl/: گیاهی است که دانه‌های آن را با آب مخلوط می‌کنند و به فردی که ترسیده است، می‌خورانند.

دهیر /deheyr/: بوته‌ای صحرایی با برگ‌های مفتولی و میوه‌ای قرمزرنج.

دورک /durok/: نوعی بوته تیغ‌دار که در ساخت حصار دور باغ و نخلستان به‌کار می‌رود.

رتناس /rentās/: گیاهی است طبی که برگ آن استفاده دارویی دارد.

سمیل /semeyl/: این درخت در حاشیه رودخانه‌ها و دره‌ها و نواحی کوهستان‌ها می‌روید. دارای گلی زردرنگ است که معمولاً شاخه‌های بالایی درخت را می‌پوشاند.

کاشک /kāšak/: نوعی نی که در باتلاق‌ها می‌روید.

کرت /kerat/: درختی است با برگ‌های ریز و جدا از هم و تیغ‌های درشت که میوه آن درون غلافی کنگره‌شکل قرار دارد. دارای چوبی مرغوب است که در تهیه انواع وسایل کشاورزی مانند دسته بیل و یوغ استفاده می‌شود.

کلپوره /kalpura/: از گیاهان وحشی است که در دامنه کوه‌ها می‌روید و برای رفع دل‌درد و نفخ به‌کار می‌رود.

کنار /konār/: درخت سدر. این درخت دارای میوه‌ای شبیه زالزالک است. برگ آن مصرف دارویی دارد و شوینده‌ای مفید برای موی سر است.

کتو /**kenatū**/: کرچک.

کور /**kowr**/: از درختان بی‌خار با برگ‌های ریز و شاخه‌ای شبیه شاخه بید.
گازمزنگی /**gāromzangey**/: نوعی درخت که در نواحی گرمسیر می‌روید و میوه‌ای شیرین و خوشمزه دارد.

گاز /**gaz**/: درختچه‌ای است که، به صورت وحشی، در حاشیه رودخانه‌ها و شوره‌زارها می‌روید و نوع مرغوب و اصیل آن را برای استفاده از چوب آن پرورش می‌دهند.
در شاهنامه نیز در داستان رستم و اسفندیار آمده است:

نشست از برش مرغ فرمانروا	گزی دید برخاک، سر در هوا
سرش برتر و بُنش بر کاست‌تر	بدو گفت: شاخی گزین راست‌تر
تو این چوب را خوارمایه مدار	بدین گز بود هوش اسفندیار

(شاهنامه، دفتر پنجم: بیت‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۱)

گل خری /**gole xori**/: جوشانده این گیاه بسیار تلخ است و برای رفع نفخ و ناراحتی طحال قبل از صبحانه می‌نوشند.

گن /**gan**/: بنه، درختی از خانواده پسته که از شیره تنه این درخت نوعی کندر به دست می‌آید.

گیش /**giš**/: بوته‌ای وحشی با گل‌های سفید ارغوانی که در حاشیه رودخانه‌ها می‌روید.
مور /**mowr**/: گیاهی دارویی با برگ‌هایی به رنگ خاکستری که مصرف دارویی دارد و دارای طعمی بسیار تلخ است که برای معالجه اسهال و نفخ مفید است.
مورت /**murt**/: گیاهی دارویی با برگ‌های سبز و بسیار خوشبو.

منابع

- رضائی باغبیدی، حسن، ۱۳۸۰، معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، تهران.
سایبانی، احمد، ۱۳۸۲، فین بندرعباس، قم.
فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق و همکاران، کالیفرنیا، ۱۳۷۵.
نجیبی فینی، بهجت، ۱۳۸۱، بررسی گویش فین، تهران.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی